

اقلیت‌های قومی رادیکال در *اولیس*: لئوپولد بلوم به عنوان یک شورشی رویدادمحور

شوکت اسماعیل‌زاده

کارشناس ارشد ادبیات انگلیسی، دانشگاه شهید بهشتی، تهران، ایران

شهریار منصوری (نویسنده مسئول)

دانشیار ادبیات مدرن ایرلندی و انگلیسی، دانشگاه شهید بهشتی، تهران، ایران

چکیده

در *اولیس* اثر جیمز جویس، لئوپولد بلوم به عنوان یکی از بزرگترین شخصیت‌های ایرلندی ظاهر می‌شود، یک شورشی رام نشدنی که زمان بندی منظم روایت را در هم می‌شکند و به خاطر به چالش کشیدن مقدسات ناسیونالیستی ایرلندی وارد دنیای ناهمگون خود ساخته می‌شود. ویژگی‌های چندگانه ترک ذهنی لئوپولد از زمان، مارا به خوانش هستی‌شناختی متمایز آلن بدیو سوق می‌دهد، که در آن او اصطلاح فضای خالی را به عنوان ناهمگونی هستی‌شناختی نادیده گرفته شده ناشی از ساختار یکپارچه دولت پیشنهاد می‌کند. با بومی سازی فضای خالی تحت نام رویداد، شرایط لازم برای سوژه واجد شرایط، یعنی یک شورشی برای درگیر شدن با ویژگی‌های خاص به امید تغییر آینده‌ای که هنوز در حال شکل‌گیری است، آماده می‌شود. این مقاله با بررسی *اولیس* به بررسی راه‌هایی می‌پردازد که در آن ذهن لئوپولد انبوهی از تأثیرات فوری را به شکلی از ناسازگاری‌های ناموفق می‌پذیرد که می‌تواند به عنوان یک مصنوع شخصی در زمینه اجتماعی مملو از احساسات ضد استعماری برای ارائه حقایق خودساخته استفاده شود. و سپس موقعیت‌های ساختاریافته را در لحظه افراط و تفریط دوباره بررسی کند و خود را برای رویدادهای علی‌جدید آماده کند. علاوه بر این، مقاله اصطلاح رویدادهای متفرقه را پیشنهاد می‌کند، یعنی رویدادهای بی‌اهمیتی که صرفاً داستان‌های خردی هستند که در گستره فضا-زمان روایت *اولیس* پخش شده‌اند، و روایت را از روایت خطی منحرف می‌کنند و در عین حال شخصیت را از تقریب مرکزیتشان منحرف می‌کنند.

واژگان کلیدی: *اولیس*؛ ناهمگونی؛ جیمز جویس؛ رویداد؛ سوژه واجد شرایط.

مطالعه استعمارزدایی توهمات پسا قومیتی: جهان شمولی در برابر چند جهانی در کلارا و خورشید و وزارت والاترین سعادت

ساره خسروی (نویسنده مسئول)

دانشجوی دکتری زبان و ادبیات انگلیسی، دانشکده زبان‌ها و ادبیات خارجی، دانشگاه تهران، تهران، ایران

سید محمد مرندي

استاد زبان و ادبیات انگلیسی، دانشکده زبان‌ها و ادبیات خارجی، دانشگاه تهران، تهران، ایران

زینب قاسمی طاری

استادیار مطالعات آمریکا، دانشکده مطالعات جهان، دانشگاه تهران، تهران، ایران

چکیده

این مطالعه با رویکردی استعمارزدا، مفهوم پسا قومیت را که توسط دیوید هولینگر پیشنهاد شده است، زیر سوال می‌برد و استدلال می‌کند که دیدگاه هولینگر بر اساس یک جهان وطنی ریشه دار است که بر ارزش‌های جهانی محدودی استوار است و با استانداردهای غربی همسو است. منتقدان استعمارزدایی مانند والتر دی میگنولو، در عوض، جهانی چندگانه را پیشنهاد می‌دهند که در آن دیدگاه‌ها و صداها و متعده در کنار هم وجود دارند بدون اینکه تحت یک روایت غربی غالب قرار گیرند. این مطالعه از دو رمان، «کلارا و خورشید» اثر کازوئو ایشی‌گورو و «وزارت والاترین سعادت» اثر آرون داتی روی برای نشان دادن این بحث استفاده می‌کند. این مطالعه ادعا می‌کند که رمان ایشی‌گورو، علی‌رغم اینکه مضامین جهانی را بررسی می‌کند، در نهایت ریشه در دیدگاه قوم‌گرایی غرب محور دارد، که منعکس‌کننده یک دیدگاه نقطه صفر است، دیدگاهی که در آن پارادایم‌های غربی به عنوان الگوهای جهانی ارائه می‌شوند. از سوی دیگر، رمان روی در هند اتفاق می‌افتد و به مسائل محلی می‌پردازد و استانداردهای غربی را به چالش می‌کشد. این مطالعه نشان می‌دهد که چگونه اثر روی، بومی‌گرایی جهان‌وطنی را در بر می‌گیرد - دیدگاهی که هم پیوستگی محلی و هم جهانی را تأیید می‌کند و در عین حال در برابر سلطه غرب مقاومت می‌کند. این مطالعه نتیجه‌گیری می‌کند که رویکرد ایشی‌گورو در بهترین حالت منجر به بازغرب‌گرایی می‌شود - تأکید مجدد دیدگاه‌های غربی با وجود آنکه تلاش می‌کند از آنها فراتر رود - در حالی که رویکرد روی با ادغام سنت‌های بومی، تکینگی‌های فردی و محلی، و مسائل جهانی، به استعمار زدایی از پارادایم‌های غربی کمک می‌کند.

واژگان کلیدی: پسا قومیت‌گرایی؛ استعمارزدایی؛ جهان شمولی؛ چند جهانی؛ قومیت‌گرایی؛ بازغرب‌گرایی.

نژادپرستی ساختاری و وارونه درمان خدا/ به کودک کمک کند اثر موریسون: خوانش روانشناختی و فمینیستی سیاه‌پوستان

علی زارع زاده (نویسنده مسئول)

کارشناسی ارشد زبان و ادبیات انگلیسی، دانشکده علوم

انسانی، دانشگاه شهید مدنی آذربایجان، تبریز، ایران

ابوالفضل رمضانی

استادیار زبان و ادبیات انگلیسی، دانشکده ادبیات و علوم

انسانی، دانشگاه شهید مدنی آذربایجان، تبریز، ایران

چکیده

استدلال این مقاله حاکی از آن است که در *رمان خدا/ به کودک کمک کند* (۲۰۱۵)، سویتنس قادر به تقویت درک معناداری از خود واقعی خویش نیست. ضعف و ناتوانی او در دوست داشتن و احترام به خود او را آسیب‌پذیر می‌کند تا نتواند همان احساسات را به برابری تزریق نماید. هدف این مقاله بررسی دقیق تأثیر رنگ گرای و کور رنگی نژادی بر زندگی زنان سیاه‌پوست است. ما سعی می‌کنیم به دو پرسش اساسی پاسخ دهیم؛ چگونه می‌توان نظریه «خودشناسی در آینه دیگران» را در پیوند مادری بین سویتنس و برابری به کار برد؟ تأثیر تقاطع یا ماتریکس سلطه اجتماعی بر زندگی سویتنس و برابری در *رمان خدا/ کمک به کودک کند* (۲۰۱۵) چیست؟ با تکیه بر دیدگاه فمینیستی سیاه‌پوستان کالینز و دیدگاه روانشناختی وینیکات، ما به طور کلی جنبه‌های چند وجهی نژادپرستی، از جمله نژادپرستی معکوس، نژادپرستی ساختاری، درهم تنیدگی نژادی، ماتریکس سلطه اجتماعی، و تصاویر رایج کلیشه‌ای منتسب به زنان سیاه‌پوست را برای پر کردن خلأ بررسی می‌کنیم. اگرچه ایدئولوژی اجتماعی و فرهنگی سفیدپوستان بر رنگین‌پوستی برابری غالب و چیره است، اما برابری با تسلط بر سایر زنان و شرکت‌ها با زیبایی‌ظاهری و موفقیت در ارتقا و گسترش تجارت لوازم آرایشی، خود را از تنفر دنیای خودش نجات می‌دهد. او رنگین‌پوستی خود را در حجاب و پوشش لباس سفید به یک دارایی بی‌بدیل و منحصر به فرد تبدیل می‌کند.

واژگان کلیدی: خودشناسی در آینه دیگران؛ ماتریکس سلطه اجتماعی؛ نژادپرستی وارونه؛ نژادپرستی ساختاری؛ *خدا/ به کودک کمک کند*.

شکل دادن به هویت‌های فردی و جمعی: ردی از حافظه فرهنگی در منظر پریده رنگ تپه ها اثر کازوئو ایشی گورو با تکیه بر نظریه حافظه فرهنگی یان آسمان

نوشین جمالی

دانشجوی دکتری ادبیات انگلیسی، گروه زبان و ادبیات

انگلیسی، واحد تهران مرکزی، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران

محمد مطیعی (نویسنده مسئول)

استادیار، گروه زبان و ادبیات انگلیسی، واحد تهران مرکزی، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران

سید رضا ابراهیمی

استادیار، گروه زبان انگلیسی، واحد سنندج، دانشگاه آزاد اسلامی، سنندج، ایران

چکیده

کازوئو ایشی گورو، نویسنده مدرن ژاپنی بریتانیایی، در رمان‌هایش به بررسی احساسات انسانی، آسیب‌ها و عشق می‌پردازد و حافظه نقش اصلی را در شکل‌دهی هویت شخصیت‌ها بازی می‌کند. این مطالعه، با تکیه بر نظریه حافظه فرهنگی یان آسمان، به بررسی نقش حافظه در شکل‌دهی هویت‌های فردی و جمعی در رمان منظر پریده رنگ تپه ها می‌پردازد. این مطالعه به بررسی این موضوع می‌پردازد که چگونه خاطرات شخصی و فرهنگی بر ادراکات، باورها و تعاملات شخصیت‌ها تأثیر می‌گذارد و هویت فردی و یکپارچگی اجتماعی آنها را شکل می‌دهد. این امر نشان می‌دهد که چگونه خاطرات سرکوب‌شده، روان‌زخم‌های التیام نیافته، خاطرات تاریخی مشترک و روایت‌های اجتماعی در شکل‌گیری هویت نقش دارند. بر ساخت هویت شخصیت‌های رمان محصول حافظه مشترک فرهنگی، اجبار به جابجایی مکانی، آسیب‌ها و فقدان و ازدست‌دادن است. تجربیات شخصیت‌هایی مانند اتسوکو و ساجیکو نقش حیاتی حافظه را در شکل دادن به هویت‌های فردی و جمعی نشان می‌دهد. یادآوری رویدادهای تلخ و مبارزه با احساس گناه و اندوه بر تأثیر پایدار حافظه در شکل‌گیری هویت شخصی تأکید می‌کند. این مطالعه تأثیر پیچیده و متقابل بین حافظه شخصی و جمعی را نشان می‌دهد که از طریق تأملات اتسوکو در مورد تراژدی‌های گذشته و زمینه‌های اجتماعی در رمان به تصویر کشیده شده است و بر این نکته تأکید می‌کند که چگونه خاطرات فردی و آسیب‌های تاریخی مشترک در هم تنیده می‌شوند و درک شخصیت‌ها از خود و جامعه را شکل می‌دهند. کاوش ایشی-گورو در حافظه، تاریخ و روان‌زخم‌ها تأثیر عمیق خاطرات و حافظه را بر ساخت هویت شخصی و جمعی به نمایش می‌گذارد. یافته‌ها تأثیر پایدار حافظه را در شکل‌دهی هویت فردی و فرهنگی برجسته می‌کنند، و نشان می‌دهند که چگونه گذشته همچنان به شکل‌گیری زمان حال و تأثیرگذاری بر تاریخ‌های فرهنگی شخصی و مشترک ادامه می‌دهد.

واژگان کلیدی: کازوئو ایشی گورو؛ نظریه حافظه فرهنگی؛ هویت فردی؛ هویت جمعی؛ آسیب و فقدان؛ خاطرات شخصی؛ روایت‌های اجتماعی.

دانش تجربی و تجربه‌ی متعالی رالف والدو امرسون از خلال منشور زندگی و شهود: خوانشی پدیدارشناسانه

فاضل اسدی امجد (نویسنده مسئول)

استاد زبان و ادبیات انگلیسی، دانشگاه خوارزمی، تهران، ایران

مارال کرامت جهرمی

دکتری زبان و ادبیات انگلیسی، دانشگاه خوارزمی، تهران، ایران

چکیده

رالف والدو ارسون (۲۵ مه ۱۸۰۳-۲۷ آوریل ۱۸۸۲) در میان تمامی استعلاگرایان، نسبت به آنچه که تاریخ در نقطه عطفی، بنیاد ادبی آمریکا را بنیاد نهاده بود چشم به وضعیت شکوه‌مندتری داشت. ترغیب پدیدارشناسانه از شهود و مواجهه‌ی تجربی امر استعلایی امرسون با آن ممکن است مکمل امور پدیدارشناسانه‌ی پویا با تجارب عرفانی باشد. در این مقاله تلاش خواهیم کرد تا برخی از دلالت‌های قیاسی میان استعلاگرایی امرسون و تجربیات عرفانی او را در قالب دیدگاه پدیدارشناختی روشن کنیم با این نوید که ابعاد میان‌فرهنگی در حوزه‌ی معرفت بر ایده‌ی جهان‌شمولی تأثیرگذار تلقی شود، چرا که از بسیاری جهات، تفحص در تحقیقات پدیدارشناختی آنا-ترزا تایمنیشکا با هدف ایجاد یک چارچوب شناختی-عقلانی به کاوشی الهام‌بخش در حوزه‌ی عرفان منجر خواهد شد که در آن، قوه‌ی فلسفی از خلال ترغیب شناخت و شهود آشکار می‌شود. با تحلیل تجارب عرفانی امرسون همسو با مضامین شهودی و معرفتی، به نظر می‌رسد اُبژه‌ی ارائه شده در پیوند با دلالت صرف متگی بر مبنای بصیر پدیدارشناسی است. از نظر کیفیت انتزاعی امر استعلایی در منظر امرسون، افزایش پویایی هستی‌آفرین زندگی که مُدرک ساختارهای جهان‌شمول نور و زندگی است، شهود بر-ساختی هستی‌شناسی است و برای عملکرد ذهن ضروری تلقی می‌شود.

واژگان کلیدی: شهود؛ معرفت؛ لوگوس زندگی؛ بر-ساخت هستی‌شناسی/پدیدارشناسی زندگی؛ استعلایی گرایی.

روایت‌های مسخ شدگی: بررسی تطبیقی مسخ شدگی در گاو اثر غلامحسین ساعدی و مسخ اثر فرانتس کافکا

محمد اکسیر

استادیار گروه زبان و ادبیات انگلیسی، واحد بوشهر، دانشگاه آزاد اسلامی، بوشهر، ایران

چکیده

این مطالعه با استفاده از چارچوب مطالعات تأثیر در ادبیات تطبیقی به بررسی تأثیر فرانتس کافکا (۱۸۸۳-۱۹۲۴) بر غلامحسین ساعدی (۱۹۳۶-۱۹۸۵) می‌پردازد. تمرکز اصلی این مطالعه تطبیقی ارزیابی کیفیت تأثیر و روشن‌سازی دیدگاه کلی درباره تنهایی، انزوا، بحران هویت و مسخ شدگی است که در نهایت به دنبال درک شباهت‌ها و تفاوت‌های میان «گاو» غلامحسین ساعدی (۱۹۶۵) و «مسخ» فرانتس کافکا (۱۹۱۵) است. این تحقیق که با رویکرد توصیفی-تحلیلی و بر پایه مکتب فرانسوی ادبیات تطبیقی و مطالعات تأثیر انجام شده است، نشان می‌دهد که موضوع اصلی رمان کافکا حول سرنوشت انسان می‌چرخد، سرنوشتی که تحت تأثیر مسائل اجتماعی دگرگون شده است. رابطه میان آثار این دو نویسنده ممکن است از شباهت‌های زمینه‌های فرهنگی آن‌ها و ویژگی‌های سبکی مشترک ناشی شود، که می‌توان از طریق ارتباطات درون‌متنی و برون‌متنی بررسی کرد. هر دو روایت، تحول شخصیت‌های اصلی خود به شکل‌های غیرانسانی را به تصویر می‌کشند و بر بیگانگی و انزوای افراد در جامعه معاصر تأکید می‌کنند. کافکا پوچی وجود انسانی را از طریق مسخ گرگور و طرد شدن او توسط جامعه بررسی می‌کند، در حالی که ساعدی به مبارزات جوامع حاشیه‌نشین از طریق تبدیل مشهد حسن به گاو می‌پردازد. بینامتنیت که نقش مهمی در خلق «گاو» دارد، اغلب تنوع صداها و پویایی‌های مختلفی را ارائه می‌دهد. نتایج این مطالعه نشان می‌دهد که ساعدی، تحت تأثیر کافکا، مفهوم دگردیسی را در «گاو» اقتباس و گسترش داده و بدین ترتیب به غنای ادبیات فارسی افزوده است.

کلید واژه‌ها: مسخ؛ فرانتس کافکا؛ گاو؛ غلامحسین ساعدی؛ تأثیر؛ ادبیات تطبیقی.

تأثیر فناوری بر هویت انسان در برنامه تلویزیونی نایت رایدر

ناظم فاضل کاظم

دانشجوی دکتری ادبیات انگلیسی، بخش زبان های خارجی و زبان شناسی، دانشگاه شیراز، شیراز، ایران

بی حدائق (نویسنده مسئول)

دانشیار ادبیات جهان و مطالعات نمایشی، بخش زبان های خارجی و زبان شناسی، دانشگاه شیراز، شیراز، ایران

چکیده

این مطالعه به بررسی تأثیر فناوری بر هویت انسان در برنامه تلویزیونی نایت رایدر می پردازد. این بررسی می کند که چگونه شخصیت های اصلی در این برنامه تلویزیونی هویت انسانی خود را در نتیجه پذیرش شیوه های تکنولوژیکی که توسط جوامع تکنوکراتیک به عنوان تقویت کننده نژاد بشر مورد استقبال قرار می گیرد، از دست می دهند. هانری لوفور که فناوری را بیانگر سلطه سرمایه داری بر بشریت می داند، چنین موضوعی را مطرح می کند. از نظر لوفور، کنش های اجتماعی و فرهنگی انسان با فضایی که او را در بر می گیرد شکل می گیرد که منعکس کننده رابطه متقابل بین انسان و فضا است. با ظهور عصر تکنولوژی، سرمایه داری تمایل دارد تا شیوه های فناورانه را به عنوان جایگزینی برای اعمال اصیل فرهنگی و اجتماعی انسان اجتماعی کند. این موضوع، آغاز جوامع تکنوکراتیک را تشویق می کند که انسان را ملزم می کند تا هویت انسانی خود را از طریق ضمیمه کردن او به یک ماشین دور بزند. در پرتو این دیدگاه های لوفور، مطالعه حاضر به بررسی تأثیر فناوری بر هویت انسان در برنامه تلویزیونی نایت رایدر می پردازد. از طریق ردیابی مراحل که آنها در تبدیل شدن به افراد تکنوکرات می گذرند، این مطالعه نشان می دهد که چگونه شخصیت های اصلی قالب های فرهنگی و اجتماعی ذاتی خود را به شیوه های تکنولوژیک عوض می کنند. این مطالعه نشان می دهد که شخصیت های اصلی در معرض یک فرآیند اجتماعی سازی قرار گرفته اند که در نهایت آنها را به تبدیل شدن به موجودیت های نیمه مکانیکی سوق می دهد، که موردی است که به یک معضل فرهنگی و اجتماعی در دوران پسامدرن اشاره می کند. این مطالعه استدلال می کند که آرمان های خود شخصیت ها برای داشتن یک قدرت نامحدود، تشدید شده توسط رمز و راز رهبران سرمایه داری در مورد نقش فناوری در تقویت ویژگی های انسان، آنها را از توجه به از دست دادن تدریجی هویت انسانی خود کور کرده است.

واژگان کلیدی: هانری لوفور؛ سرمایه داری؛ شهرنشینی؛ جامعه تکنوکراتیک؛ فرهنگ.

عراق در بستر پس از یازده سپتامبر: خوانش سیاست‌های آمریکایی و ضد آمریکایی در کتاب *نوه آمریکایی* انعام کجه‌جی

ایرج سلیمان جهان (نویسنده مسئول)

گروه زبان‌های خارجی و دروس عمومی، دانشکده مهندسی
صنایع و مدیریت، دانشگاه صنعتی شاهرود، شاهرود، ایران

اعظم رضایی

گروه زبان‌های خارجی و دروس عمومی، دانشکده مهندسی
صنایع و مدیریت، دانشگاه صنعتی شاهرود، شاهرود، ایران

چکیده

این مطالعه به دنبال ترسیم بازنمایی پس از یازده سپتامبر در عراق، با رویکرد طیف وسیعی از ایده‌ها و مفاهیم 'امپراتوری' مایکل هارت و آنتونیو نگری، همچنین نظریه پردازی «وضعیت استثنایی» آگامبن است تا علت واقعی حمله‌ی ایالات متحده به عراق و نیز اهمیت واقعی بنیادگرایی‌ای که در پی خشونت ناشی از این تهاجم به وجود آمد و نقش مقاومتی که بنیادگرایی در عراق ایفا کرد را آشکار کند. هدف این مطالعه، بررسی این موضوع است که چگونه مسئله اسلام‌هراسی، تروریسم، بنیادگرایی و امپراتوری به طور جدایی ناپذیری در هم تنیده شده‌اند و در ادامه، نحوه‌ی ارتباط مفاهیم مذکور با رمان *نوه آمریکایی*، نوشته‌ی انعام کجه‌جی را مورد مذاقه قرار می‌دهد. یافته‌های این مطالعه روشن می‌کند هدف اصلی تهاجم، درواقع در راستای تلاش‌های امپراتوری برای گسترش حاکمیت فراملی خود در سراسر جهان است و در طول مسیر، باعث ایجاد بنیادگرایی‌ای می‌شود که به عنوان نقطه مقابل امپراتوری می‌ایستد و درواقع ارتباطی با بازگشت به ریشه‌های اسلام ندارد، بلکه در خدمت بازندگان روند جهانی شدن به عنوان ابزاری برای مبارزه با برندگان آن روند است. بنابراین، این رمان، تلاشی برای حالتی روایی بخشیدن به رویدادهایی است که در عراق منجر به رنسانس بنیادگرایی به عنوان نوعی رویارویی پسااستعماری شدند و نشان می‌دهد اساساً، بنیادگرایی شکلی از مقاومت در برابر امپراتوری و آرمان‌های آن بوده است، در تقابل با دیدگاه رایج، مبنی بر این که تهاجم آمریکا به عراق به عنوان پاسخی به بنیادگرایی در خاورمیانه بوده است.

واژگان کلیدی: امپراتوری؛ بنیادگرایی؛ پس از ۱۱/۹؛ مقاومت؛ حمله‌ی آمریکا به عراق.

ادراک، ناپدید شدن، گذار و هویت‌های چندگانه به عنوان محصولات تغییر در وقایع نارنیا

سانیا بیات

دانشجوی دکترای زبان و ادبیات انگلیسی، دانشکده زبان‌های

خارجی، واحد کرج، دانشگاه آزاد اسلامی، کرج، ایران

حسن شهابی (نویسنده مسئول)

دانشیار زبان و ادبیات انگلیسی، دانشکده زبان‌های

خارجی، واحد کرمان، دانشگاه آزاد اسلامی، کرمان، ایران

چکیده

این مقاله با استفاده از نظریه ویرلیو به کتاب *وقایع نارنیا* لوئیس می‌پردازد. تئوری درومولوژی ویرلیو توضیح می‌دهد که چگونه دید مردم از مطالب با حرکت سریع‌تر تغییر می‌کند، و چگونه این موضوع بر روی دید آن‌ها به دیگران و موارد اطرافشان تأثیر می‌گذارد. این می‌تواند به احساس کنترل و نظارت بیشتر منجر شود. این مطالعه استدلال می‌کند که روایت‌های داستان‌های لوئیس نشان‌دهنده انسان‌های آینده هستند که از طریق فناوری پیشرفته‌ای که از محدودیت‌های زمانی فراتر می‌رود، به آنها نزدیک‌تر شده‌اند. شخصیت‌های لوئیس به مثابه بازتابی از خواننده هستند. آنها به خواننده کمک می‌کنند خود و روایاتشان را به شیوه‌ای جدید ببینند. لوئیس در مورد اینکه چگونه این شخصیت‌ها دنیا را می‌بینند، صحبت کرده است، زیرا نحوه‌ی دید آن‌ها از جهان بر نحوه‌ی نگرش آن‌ها تأثیر می‌گذارد. شخصیت‌های لوئیس را می‌توان افرادی دانست که جامعه را نمایندگی می‌کنند. این مقاله استدلال می‌کند که شخصیت‌های سریال سایبورگ هستند و در دنیای سایبورگ زندگی می‌کنند. برای تقویت این استدلال، اصول نظریه پانوپتیکون مورد نیاز است. به نظر می‌رسد شخصیت‌ها هدفی دارند، اما به ابعاد منفی انسان بودن مرتبط است.

واژگان کلیدی: ادراک؛ ناپدید شدن؛ گذار؛ درومولوژی؛ ویرلیو.

نشانگرهای موضع در نوشتار علمی: مقایسه نویسندگی بومی (انگلیسی) و غیربومی (ایرانی) در مقالات پژوهشی علوم پایه و علوم انسانی

پرویز آژیده

دانشیار آموزش زبان انگلیسی، دانشکده ادبیات فارسی و زبان‌های خارجی، دانشگاه تبریز، تبریز، ایران

محمد ظهرا بی

دانشیار آموزش زبان انگلیسی، دانشکده ادبیات فارسی و زبان‌های خارجی، دانشگاه تبریز، تبریز، ایران

رقیه عقی طلب (نویسنده مسئول)

دانشجوی دکتری آموزش زبان انگلیسی، دانشکده ادبیات

فارسی و زبانهای خارجی، دانشگاه تبریز، تبریز، ایران

چکیده

بررسی دقیق تحلیل گفتمان، به ویژه بررسی کاربرد زبان در نگارش‌های علمی، جنبه قابل توجهی در زمینه زبان‌شناسی کاربردی دارد. جنبه‌ی اساسی این بررسی حول استفاده از نشانگرهای موضع و رویکرد نویسنده است، که به عنوان ابزارهای زبانی برای بیان دیدگاه‌ها و ارزیابی‌های نویسندگان درباره‌ی اظهاراتی که ارائه می‌دهند، عمل می‌کنند. هدف اصلی این مطالعه، مقایسه توزیع کلی و دسته‌ای نشانگرهای موضع و رویکرد نویسندگان در مقالات پژوهشی نوشته شده از سوی نویسندگان (انگلیسی) و (ایرانی) در حیطه‌ی علوم پایه و انسانی بود. چارچوب تحلیلی هایلند (۲۰۰۵) برای تفکیک نشانگرهای تعاملی و رویکرد نویسندگان به کار گرفته شد. نتایج تحقیق تفاوت‌های قابل توجهی در توزیع کلی و دسته‌ای نشانگرهای موضع بین دو مجموعه داده نشان داد، که تأثیرات اختلافات فرهنگی بر کاربرد آنها را برجسته کرد. این تحقیق برای درک و یکجا سازی غنی تر استانداردهای سخنرانی موجود در ژانرهای علمی، شامل استفاده از نشانگرهای تعاملی، برای ارتقای ایجاد مواد آموزشی و ارتقای توانایی زبانی دانشجویان در مطالعات زبانی تأییدی می‌نماید.

واژگان کلیدی: نشانگرهای موضع؛ علوم پایه؛ فراگفتمان تعاملی؛ علوم انسانی.

تأثیر اینستاگرام بر یادگیری زبان انگلیسی و انگیزه زبان آموزان

ساسان بالغی زاده (نویسنده مسئول)

استاد گروه زبان و ادبیات انگلیسی، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه شهید بهشتی، تهران، ایران

مروارید سعیدی

دانشجوی دکتری آموزش زبان انگلیسی، گروه زبان و ادبیات انگلیسی،

دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه شهید بهشتی، تهران، ایران

چکیده

اینستاگرام، به عنوان برنامه‌ای بسیار محبوب، به ابزاری تأثیرگذار برای آموزش و یادگیری زبان انگلیسی تبدیل شده است و از طریق صفحات و حساب‌های مختلف اینستاگرام، به طور روزانه محتوای جدید زبانی ارائه می‌دهد. این مطالعه تأثیر اینستاگرام بر انگیزه‌ی زبان آموزان برای یادگیری انگلیسی را بررسی کرده و مزایا و معایب استفاده از این برنامه برای اهداف آموزشی را ارزیابی می‌کند. در این پژوهش از یک روش ترکیبی استفاده شده است که شامل جمع‌آوری داده‌های کمی از طریق پرسشنامه‌ای است که بین ۱۰۰ زبان آموز توزیع شد و داده‌های کیفی از طریق مصاحبه‌های نیمه ساختاریافته با پنج معلم که به طور فعال از اینستاگرام برای تدریس زبان انگلیسی استفاده می‌کنند. نتایج نشان می‌دهد که اینستاگرام به طور قابل توجهی انگیزه‌ی زبان آموزان را افزایش می‌دهد و شرکت کنندگان دیدگاه مثبتی نسبت به این پلتفرم دارند. از جمله مزایای اصلی می‌توان به محتوای جذاب و متنوع و همچنین توانایی آن در بهبود مهارت‌ها و زیرمهارت‌هایی مانند مکالمه و دایره واژگان اشاره کرد. با وجود این مزایا، معایبی مانند محتوای غیرآموزشی که موجب حواس پرتی می‌شود، فرصت‌های محدود تعامل و موانع در ایجاد یادگیری عمیق و تدریس جامع نیز شناسایی شده است. این مطالعه نتیجه می‌گیرد که اینستاگرام مزایای قابل توجهی برای آموزش زبان انگلیسی دارد، به ویژه در انگیزه بخشی به زبان آموزان و ارائه محتوای متنوع. با این حال، برای استفاده کامل از پتانسیل آموزشی آن، باید راهبردهایی برای رفع چالش‌های موجود پیاده‌سازی شود. ایجاد تعادلی میان نقاط قوت و ضعف اینستاگرام ضروری است تا استفاده از آن در آموزش زبان انگلیسی مؤثرتر شود.

واژگان کلیدی: اینستاگرام؛ انگیزه؛ یادگیری زبان؛ تعامل؛ رسانه‌های اجتماعی.

بکارگیری نظریه آزمون کلاسیک برای آزمون فرضیه دوره بحرانی: مطالعه موردی از عملکرد گرامری زبان آموزان ایرانی زبان انگلیسی در آزمون تو افق فاعل-فعل

امید استاد

فارغ التحصیل دکتری آموزش زبان انگلیسی، دانشگاه علامه طباطبائی، تهران، ایران

هادی حیدری (نویسنده مسئول)

فارغ التحصیل دکتری آموزش زبان انگلیسی، دانشگاه بین المللی امام خمینی، قزوین، ایران

آزاده خوش سرور

ارشد آموزش زبان انگلیسی، دانشگاه گیلان، رشت، ایران

چکیده

مقاله حاضر دو هدف را دنبال می کند تا از نظریه آزمون کلاسیک (CTT) برای توسعه و اصلاح یک آزمون و همچنین کشف تأثیر عامل سن بر گرامر زبان انگلیسی زبان انگلیسی زبان آموزان ایرانی، شواهدی برای این ادعا ارائه کند که تئوری آزمون کلاسیک (CTT) به بهترین وجه سازگاری اندازه گیری ها را در مطالعات مرتبط با سن ارزیابی می کند. این مطالعه عملکرد بزرگسالان یا نوجوانان را به عنوان یادگیرندگان قبل و بعد از بلوغ در آزمون دستور زبان طراحی شده از طریق CTT مورد بررسی قرار می دهد، که بر اساس آن، نتیجه گیری شود که آیا یادگیرندگان کم سالت یا بزرگتر در توافق فاعل-فعل بهتر عمل می کنند. بر اساس نمونه گیری تصادفی، ۲۳ شرکت کننده مرد شامل ۱۲ بزرگسال و ۱۱ نوجوان با زبان مادری فارسی در سطح متوسط در این پژوهش شرکت کردند. آنها در یک آزمون ۶۰ ماده ای دستور زبان (در مورد توافق موضوع-فعل)، که با استفاده از مدل CTT توسعه داده شده است، مورد آزمایش قرار گرفتند، زیرا با اندازه های نمونه کوچک مطابقت دارد و می تواند برای درک مسائل پیچیده (به عنوان مثال، مسائل مربوط به سن) استفاده شود. علاوه بر ابداع آزمونی با استفاده از CTT به عنوان یک مدل، نتایج نشان داد که یادگیرندگان پس از بلوغ امتیاز بهتری نسبت به همزمان کم سال تر خود کسب کردند تا حدی به این دلیل که از نظر شناختی بالغ تر هستند. با این حال، سن تنها عامل در یادگیری زبان دوم نیست و عوامل دیگری مانند تفاوت های فردی، عوامل زمینه ای و دقت روش شناختی باید در نظر گرفته شوند. مطالعات آینده بر روی ارزیابی بیشتر مبتنی بر CTT و توسعه آزمایش های بیشتر از طریق اتخاذ طرح های طولی می تواند نقش عوامل مهم بر عملکرد دستوری را که تحت تأثیر عامل سن است، بهتر روشن کند.

واژگان کلیدی: آزمون طراحی؛ زبان انگلیسی؛ قبل و بعد از بلوغ؛ توافق فاعل و فعل؛ توافق زمان.